

# رجال اصفهان

یا

تذکرۃ القبور

---

تألیف

عالم جلیل مرحوم آخوند ملا عبدالکریم جزوی

باحواشی وملحقات بقلم

مصلح الدین - محمد و

چاپ دوم

۱۳۲۸ - ۱۳۶۹

بهاء : سی ریال

محقق سبزواری مؤلف کتاب شجرة التجدید که در پشت اغلب از قرآنها  
بطنبع رسیده وفاتش در سال ۱۳۱۸ رویداده است (معلم)

### ۵ - بقعه شههان

یکی از بقاع متبرکه که اصفهان که در این اواخر بمناسباتی متروک شده  
است بقعه شهشاه واقعه در محله شهشهان میباشد . این بقعه در جنب مسجد  
صفا واقع شده و دارای حسینیه و مدرسه میباشد . آثار جلالت و بزرگواری  
از عمارت ظاهر است و در آن شاه علاءالدین محمد که از اجله سادات و  
اشراف و نقباء اصفهان بوده مدفون گردیده است . جمعی از اولاد و احفاد  
وی نیز در این بقعه مدفونند که عموماً از نقباء و اشراف و اجلاء بوده اند و  
بمرور زمان آثار قبور آنان از بین رفته است و آنچه از آنها باقیست بدون  
اسم میباشد . چون موقوفات این محل در این اواخر از بین رفته بود از  
مدت زمانی در بقعه بسته شده و رواق آن بصورت مکتبخانه گردیده بود  
تا آنکه دانشمند محترم جناب آقای حاج آقا حسین شهشاهانی مستشار دیوان عالی  
کشور همت نموده قسمتی از موقوفات را از تصرف غاصبین خارج نموده  
ضمناً با جمع آوری اوراق و سجلات سلاطین و حکام و علماء مجموعه نفیسی  
فراهم نموده اند که امید است روزی زینت بخش مطبوعات گردد . اینک شرحی  
را که بر حسب خواهش اینجناب آقای عباس حمیدی درباره بقعه شهشهان نوشته اند  
جهت اطلاع خوانندگان محترم بطبع میرسانیم .

یکی از آثار بسیار قدیمی شهر زیبای اصفهان که دچار سرنوشتی  
خاص شده و مشرف بخرابی و انهدام بود بقعه شهشهان مدفن سید بزرگوار  
شاه علاءالدین محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن حیدر بن  
حسین بن محمد بن قوام الشرف بن محمد بن قوام الشرف ابن هادی ابن اسمعیل  
ابن الحسین ابن علی ابن الحسن ابن علی ابن الحسین ابن عمر ابن الحسن بن  
علی بن علی بن الحسین ابن علی ابن ابیطالب علیه السلام از اعظام و اکابر ایران  
و نقیب و سرسلسله سادات حسینی شهشاهانی و شاه علائی در قرن هشتم هجری  
بوده و وجه تسمیه سید بزرگوار به شهشهان (شاه شاهان) از لحاظ جنبه سیادت  
او بوده که از طرف پدر و مادر سید حسینی بوده است .

### شرح حال شاه علاءالدین محمد

در اغلب کتب تواریخ و سیر و تذکره ها بطور تفصیل مندرج است و بوجه اختصار

متن فرمان امیر رستم بهادر آق قوینلو راجع بموقوفه اصفهانك

### الحكم

ابوالمظفر رستم بهادر سوزوميز

حكام و عمال و كلانتران دارالامان اصفهان بدانند كه سابقا  
فرمان همایون نافذ شده بود كه ضبط و سر كاری موضع اصفهانك كراج  
متعلق بملازمان عالیجناب ابد زمان دولت امان حكومت قباب افتخار -  
الامراء العظام بین الامم، عمدة الحكام الكرام فی العجم، اعتماد الدولة -  
السلطانية، نظام الدين عبدالكريم بك للهام بدانند و مال و منال بتحصیل  
مشاراليه مقرر دانسته قلم و قدم کوتاه و كشيده دارند و از آنجا حوالتي  
نمایند و از ابتداء توشقان ئیل چون بوقفیت ثابت شد مقرر شد كه بتصرف  
عالیجناب سیادت پناه، نقابت دستگاہ، مرتضی ممالك اسلام پناه تقی الملة -  
والدين محمد تقی اعلى الله تعالى شأنه كه متولی شرعی است گذارند  
بموجبیكه احكام همایون در آن ابواب صادر شده بامنال خود تصرف نموده  
خراج از قرار قانون بموجبیكه مستوفیان دیوان اعلى بر آورد نموده اند  
جواب گویند و چه منال بموجبی كه در سایر املاك دیوانی مبیعی مقرر شود  
نمایند بموجبی كه علیحده در آن باب نشان شده و داخل مملكت است باید  
كه خراج موضع مذکور را همچنان بتحصیل ملازمان عالیجناب امیر  
مشاراليه مقرر دانسته قلم و قدم کوتاه و كشيده دارند و بهیچ وجه من الوجوه  
حوالتي نمایند و آنچه رسید دو شك و اخراجات حكمی موضع مذکور  
باشد علیحده حساب نموده آنرا بتحصیل ملازمان امیر مشاراليه داده  
بمصرف دیوانی برسانند و بعلت اخراجات خلاف حكم مطلقا تعرض برعایا  
نرسانند و مطالبتي نمایند و داروغه بلوك مذکور میباید كه مطلقا متعرض  
احوال رعایا آنجا نشود كه داروغگی این موضع بملازمان امیر مشاراليه  
متعلق است بدین جمله روزن و از شكایت محترز بوده هر ساله نشان مجدد  
تطلبند در عهده دانند .

محل مهر رستم بهادر از حكمرانان آق قوینلو



اشاره میشود. پس از مدتها اقامت و افاضا به مردم اصفهان چون سید طرف توجه عامه مردم و  
 بالاخص مراد علاقه ابو الفتح - سلطان محمد بایسنقر نواده امیر تیمور بوده هنگامیکه سلطان  
 محمد بر حکومت هرات و سلطنت خود میرزا شاهرخ بن تیمور قیام میکنند .  
 شاهرخ بقصد از بمراق لشکر کشی نموده و سلطان محمد را از اصفهان  
 منهزم مینماید. پس از ورود با اصفهان جمعی از سادات و اکابر علماء اصفهان را  
 با اتهام معاشرت و بهاری با سلطان محمد توقیف و بمبهد آورده منجمله شاه علاء الدین  
 محمد را دستگیر و بساوه بمبهد مینماید بالاخره باغوا و تحریک گوهر شاد بیگم  
 زوجه خود امر میدهد سید بزرگوار را در ساوه مصلوب نمایند ( ۸۵۰ هجری )  
 خود شاهرخ فوراً هشتاد روز پس از این واقعه بر اثر تفریط سید در گذشته و  
 سلطان محمد بهادر مجدد آبا اصفهان مراجعت و بیاس احترام سید و بعلت  
 اینکه سید جان خود را در راه او از دست داده امر میدهد لعش او را از  
 ساوه با احترام هر چه تمامتر با اصفهان منتقل نموده و در حسینه و خانقاه خود  
 سید صکه در محله حسینه ( شهشهان فعلی ) مدفون سازند و در همان محل  
 بقعه برای سید بنا مینمایند ( ۸۵۲ هجری ) و قراء اصفهانک و در زیان واقع  
 در بلوک کراچ اصفهان و ولاسان واقع در زربدن را برای بقعه وقف و بامضاء  
 بزرگان و علماء وقت از جمله مولانا جلال الدین الدوانی میرسانند و مدتها قراء  
 مزبوره بمصارف و کف میرسید بمدها این قراء ازید موقوفه خارج و قریه اصفهانک  
 در تصرف غاصبانه یکی از تجار ( کسائی نامی ) قرار میگردد تا در این اواخر  
 با کمک و همت مردانه جناب آقای سید حسین شهشهای مستشار دیوان عالی  
 کشور قریه اصفهانک ازید بازار گاش غاصب منتزع و بتصرف موقوفه درمیآید و  
 دو مزرعه دیگر هم قریه با به رجوع اصلی خود برگشت خواهد نمود .

در این قسمت خدمات جناب آقای شهشهای ارشد خاندان جلیل سادات  
 شهشهای و شاه علائی و جناب آقای هیت دادستان کل مورد تشکر و قدردانی  
 است . اصل بقعه و حسینه تا سال ۱۳۶۷ هجری بوضع مغروبه و مشرف بانهدام  
 قطعی بود با همت جناب آقای شهشهای شروع به تعمیر و نگاهداری آن شده  
 است . صورت فعلی بنا عبارتست از یک کنه مرتفعی که در داخل آن چند قبر  
 است و یک قبر که از همه بلند تر و دارای سکوی بلندی است قبر صاحب بقعه  
 میباشد بر روی قبر و پدنه آن هیچگونه اثری از مدفن صاحب قبر نیست ولی

در کتیبه که دره پیک به سفید گنبد است با خط تلیک روی کتیبه نوشته شده و تصور سازند که نام صاحب قبر علاء الدین محمد بوده و پس از دار زدن او را در این محل مدفون ساخته اند. این کتیبه دور تا بدور گنبد را فرا گرفته و بیسم الرحمن الرحیم شروع و چهارده شعر عربی که شعرا اول آن .

یا ذاکر آ اخوان صدق بالصفاء ثم المقام فهروة ثم المنا  
تا میرسد به شعر دهم و یازدهم و دوازدهم

یا زائر الشاه الشهید المشتهر هاذک سلطاناً دلیلاً للملا  
زر هذه روضات جنات العلی و الله عزاً بالمعالی قد علا

ذا مرقد السعد السعید و قبره ذامشهد الشاه الشهید المجتبیا  
و هاین جمله ( کتیبه سید محمود افشار ) خاتمه پیدا میکنند. قبل از آنکه

زیر گنبد اصلی واره شویم اطاق کوچکی است که به منزله دهلیز گنبد بشمار میرود و دارای در و سردری است که کاشیهای لچکی سردر آن از نفایس و آثار گرانبهای موجود در اصفهان میباشد. این لچکی از کاشی معرق شفاف و دو وسط آن با خط نسخ نوشته شده ( عمل مهرم کاشی تراش ) این کاشی پس از پانصد و اند سال هنوز شفافی و براقی خود را از دست نداده و فی الواقع در اصفهان بلکه در ایران منحصر بفرد است .

معمار اداره باستان شناسی اصفهان معتقد است که در داخل بقعه و زیر دیوار این کاشی باید وجود داشته باشد ولی فعلاً اثری از آن دیده نمیشود بطوریکه اشاره شد اساس بقعه مربوط بزمان سلطان محمد بهادر خان تیموری بوده و بعدها در زمان حکمرانان آق قویونلو و سلاطین صفویه بالاخص در سال ۱۰۱۳ هجری در زمان شاه عباس بزرگ تعمیرات اساسی در آن بعمل آمده و در زمان شاه سلطان حسین حسینی بزرگتر شده و تحت تعمیر قرار گرفته پس از آن نیز تعمیراتی حسب ضرورت در بقعه شده در سنوات اخیر بواسطه از دست رفتن قریه موقوفه اصفهانک تعمیراتی نشده و حجرات اطراف آن رو بخرابی رفته و پس از برگشت قریه مزبوره تعمیرات اساسی با جدیت جناب آقای سید حسین شهبهانی سرپرستی آقای حاج سید رضی شهبهانی و آقای سید مصطفی شهبهانی شروع و به هدایت اداره باستان شناسی اصفهان فعلاً مشغول میباشند. در هر صورت قطع نظر از اهمیت صاحب قبر که از

امام زادگان و بزرگان و سادات صحیح النسب و مسلم بشماره هرود بنای گنبد  
 و بقعه از آثار مهم باستان شناسی است و از همین نظر در سال ۱۳۶۸ هجری  
 وزارت فرهنگ و انجمن آثار ملی بقعه شهشهان را جزء آثار ملی و باستانی منظور  
 و تحت شماره ۳۶۸ به ثبت رسانیده است. و طومارهای متعدده وقف نامه و دستخط  
 سلاطین گذشته از قبیل سلاطین آق قویلو و صفویه و ساجل بزرگان و علماء وقت نظیر  
 مولانا جلال الدین الدوائی و شیخ بهائی که در باره موقوفات بقعه و مدرسه  
 شهشهان مرقوم داشته اند بسی شایان توجه و ملاحظه است برای نمونه یکی از  
 قوانین آق قویلو که در سنه ۹۰۰ مربوط به رستم یک آق قویلو میباشد که  
 برداری شده و درج میگردد.

امید است با همت جناب آقای شهشهای متولی و جناب آقای هیئت  
 دادستان کل، ناظر موقوفه بقعه متبر که، تعمیرات اساسی بقعه خاتمه یافته و با  
 بازگشت موقوفات و خلع بد غاصبین طبق منظور واقفین بمقتضای روز در آمد  
 موقوفات بمصرف خیرات و میراث و تعلیم و تربیت ابناء کشور برسد انتهى.  
 و از جمله مدفونین در این بقعه سامیه است بیگم دختر شاه عباس کبیر صفوی آثار  
 قبر ظاهر نیست و گویا پس از مدتی بعد از دفن استخوانهای او را به نجف یا  
 یکی دیگر از مشاهد مشرفه نقل کرده باشند تنها چیزی که دلیل بر بودن قبر  
 وی در این محل است کتیبه است که در دیوار بقعه کج بری شده است.

ارلاد و اعقاب شاه علاءالدین محمد ساداتی هستند در اصفهان که به سادات  
 شهشهای و شاه علایی معروفند و عموماً از اهل علم و فضل بوده و بزرگانی در  
 بین آنها بوده اند از جمله آنهاست مرحوم آقا میرزا محمد صدر (پدر دانشمند  
 محترم جناب آقای شهشهای مستشار دیوان کشور) که از وعاظ محترم و معدومین  
 اصفهان بودند و در محله بیدآباد سکونت داشتند قریب هشتاد سال زندگانی  
 نموده. در جمادی الثانی ۱۳۶۳ وفات یافته در تکه سید العرائین مدفون  
 گردیدند. پدر ایشان مرحوم آقا میرزا محیی بوده وی نیز از علماء و اجلاء بوده  
 مورد توق و احترام مرحوم حاجی سید اسداله بیدآبادی بوده و با ایشان خاله  
 زاده بوده اند و باصرار سید از محله شهشهان به بیدآباد آمده در جنب منازل  
 سید در محله قبله ها سکونت نموده اند و پدرش مرحوم آقا میرزا محمد جعفر

پس از قضاة بوده و مورد وثوق و طرف اطمینان مرحوم حاجی سید محمد باقر حجة الاسلام رشتی بوده و در اصفهان در کمال زهد و تقوی زندگی می اموده و در زمانش تولیت موقوفه اصفهانک بدو اختصاص داشته است رحمة الله علیه .

## ۶- هرون ولایت

واقعه در محله میدان عتیق (میدان کهنه) در حاشیه روضات الجنات ویرا از اعقاب حضرت هادی علیه السلام میدانده برخی ویرا از اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام معرفی می نمایند و شهرت نیز همین است و بطوریکه آقای آفانجفی می نویسد مهر محمد قاسم مختاری سبزواری نسابه در تعلیقات خود بر عمده الطالب و شیخ نورالدین عاملی اصفهانی و سید حسین بن مساعد حائری آن را هرون بن الامام علیه السلام میدانند و برخی ویرا از روایات محدثین و عمده ویرا از اخبار بهر دو میدانند لکن این اقوال عموماً بی مأخذ میباشد و انتساب وی بدائمه اظهار بی اشکال میباشد .

در کتاب تاریخ سلطانی می نویسد که مدفون دو ایف بقعه سامیه جناب هرون بن محمد بن احمد بن جعفر بن هرون بن الامام موسی بن جعفر علیه السلام میباشد . در سایر کتب نسب ویرا طور دیگری می نویسند و ممکن است مدفون در این محل یا در مجاورت او دو سه نفر بنام هرون باشند و اینجا بنام یکی از آنان شهرت یافته باشد و در علت شهرت این محل به هرون ولایت در بین مردم تصه شهرت دارد که مقام ذکر او نیست .

فائده - تاریخ سلطانی از تالیفات سید حسن بن سید مرتضی حسینی استرآبادی است که در اواخر زمان صفویه در زمان شاه سلطان حسین صفوی در اصفهان تألیف شده و سه قسمت است - اول از تاریخ سلاطین قبل از اسلام دوم احوالات حضرت رسول و ائمه اطهار علیهم السلام و در آن بسیاری از امامزادگان اصفهان را نقل نموده و بیشتر آنان را از تذکره شیخ نورالدین حبیب الله نسابه عاملی نقل نموده که مائتمام آن را در رساله شجره طیبه که جهت امامزادگان مدفون در اصفهان میباشد نقل نموده ایم . سوم در تاریخ سلاطین صفویه است این کتاب از کتب نادر الوجود است که بنظر دانشمند محترم و متبع خیر آقای حاج آقا بزرگ تهرانی مؤلف الذریعه الی تصانیف الشیعه نرسیده و در کتاب ایشان ذکری از او نشده است و یک نسخه از آن در کتابخانه اعظمازه